

مطالعه تاریخی روابط فرهنگی ایران و ارمنستان از نقطه نظر ترجمه

سارینه غریبیان*

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

احمد صدیقی**

استادیار مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

آندرانیک سیمونیان***

استادیار ادبیات ارمنی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۵، تاریخ تصویب: ۹۱/۹/۱۳)

چکیده

ترجمه در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیری انکارناپذیر دارد. ترجمه یکی از روش‌های مهم انتقال اطلاعات و دانش در سطح جهان و همچنین ایجاد ارتباط میان ملت‌های غیر هم‌زبان است. درباره ایران و ارمنستان نیز این موضوع صادق است. ایران و ارمنستان دو فرهنگ نزدیک به یکدیگر دارند. این دو از دوران باستان ارتباطات بسیار با هم داشته و دارای فرهنگ، پیشینه و همانندی‌هایی بوده‌اند. از طرف دیگر، یکی از زمینه‌های ترجمه که به مطالعه روابط فرهنگی بین دو ملت کمک شایانی می‌کند، تاریخ ترجمه است. با وجود تمام این ارتباطات و مشترکات، متأسفانه تاکنون به تاریخ ترجمه‌های انجام شده بین دو زبان فارسی و ارمنی و نقش آن‌ها در ایجاد رابطه فرهنگی و آشنایی هرچه بیشتر مردمان دو کشور با یکدیگر تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. هدف اصلی از این مطالعه تاریخی، آشنا کردن خواننده با تاریخچه ترجمه در ایران و ارمنستان و آغاز ترجمه‌های فارسی-ارمنی در دو کشور و همچنین روند ترجمه در دو کشور بعد از انقلاب اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: مسروپ ماشتوس، استقلال ارمنستان، رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان، زبان آشخارابار، زبان گرابار، انقلاب اسلامی ایران، روابط فرهنگی.

* تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، E-mail: arsa.gharibian@yahoo.com

** تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، E-mail: arsa.gharibian@yahoo.com

*** تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۰۰۱۱۱، E-mail: arsa.gharibian@yahoo.com

مقدمه

ترجمه، تاریخچه‌ای بس طولانی دارد که به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد. در غرب نیز کار ترجمه از ۳۰۰ سال قبل از میلاد رونق یافت. ظهور مسیحیت و لزوم ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های مختلف، به نوبه خود نقش بسزایی در رشد ترجمه داشت، بدین گونه که از آن در راه انتشار کلام خدا و رساندن آن به گوش همگان استفاده می‌شد. آشنایی غرب با دنیای اسلام نیز در سده دوازدهم، که با تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان آن‌ها همراه بود، آغازگر روندی جدید در امر ترجمه بود تا آنجایی که آن را به نقطه اوج خود رساند. در سده نوزدهم، به دنبال اوج‌گیری نیاز به همکاری‌های علمی، ادبی و فرهنگی، ترجمه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بین بزرگان ادب، فلاسفه و دانشمندان با خوانندگان آن‌ها شد. از سده بیستم به خاطر تغییر شرایط و ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و اقتصادی، لزوم ترجمه تمامی متون، مدارک و کتاب‌ها به اکثر زبان‌های دنیا احساس شد و به همین دلیل است که این سده به «عصر ترجمه» معروف شده است. (لطفی‌پور ۶۳)

در این مطالعه تاریخی که با هدف بررسی ترجمه‌های فارسی-ارمنی در ایران و ارمنستان تهیه شده است، نگارنده نخست به معرفی ادبیات ارمنی و فارسی و همچنین آغاز روند ترجمه در دو کشور می‌پردازد و سپس کتاب‌های ترجمه شده بین دو زبان فارسی و ارمنی معرفی خواهند شد.

بحث و بررسی

ادبیات ارمنی و آغاز ترجمه در ارمنستان

از مهمترین رویدادها در تاریخ ارمنه، ابداع حروف الفبا در سال ۴۰۶ میلادی توسط مسروپ ماشتوس، با حمایت جاثلیق ساهاک پارتی و شاه اشکانی ارمنستان ورام شاپوه (بهرام شاپور) بود. مسروپ ماشتوس زمانی که ارمنستان به لحاظ سیاسی، میان دو نیروی قدرتمند وقت، یعنی ساسانیان و رومیان تقسیم شده بود، برای مقابله با خطر نابودی ملی در شرایط فقدان استقلال سیاسی، به فکرتقویت مبانی فرهنگی خود افتاد و با ابداع الفبای ارمنی و آموزش آن، به مردم خود استقلال فرهنگی بخشید. (آقایان ۱۸-۷)

ابداع حروف الفبا در واقع نقطه آغاز ادبیات نوشتاری ارمنی بود که در نیمه اول سده پنجم میلادی پا گرفت و با دو روند ادبیات ملی و ادبیات ترجمه‌ای رشد و تکامل یافت. در این دوران کتاب مقدس به عنوان اولین کتاب و پس از آن صدها متون علمی، فلسفی و مذهبی

نیز به زبان ارمنی ترجمه شدند و به همین دلیل سده پنجم به عصر طلایی ادبیات ارمنی شهرت یافت (نوری‌زاده، ۱۳۷۵، ۷۵)

در این دوران تاریخ‌نویسی نیز رواج یافت و تاریخ‌نویسان ارمنی توجه‌شان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران دوره ساسانی جلب شد و هر یک به نوعی در نوشته‌هایشان به ایران، فرهنگ، دین و فلسفه ایرانی اشاراتی کردند. آگاتانگقوس، از اولین تاریخ‌نویسان ارمنی بود که در سده پنجم، کتاب تاریخ ارمنستان را به رشته تحریر در آورد. این کتاب توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب کرد و به عنوان اولین کتاب تاریخی - تحلیلی ارمنی، به زبان‌های دیگر ترجمه شد. ترجمه‌های یونانی و عربی این کتاب در سده هفتم انجام شد. پاستوس بیوزاند، از دیگر تاریخ‌نویسان هم‌عصر آگاتانگقوس است که کتاب تاریخ ارمنستان وی نیز شهرت بسیار داشته و به زبان‌های بسیاری از جمله فرانسه (سال ۱۲۴۶/۱۸۶۷)، آلمانی (سال ۱۲۵۸/۱۸۷۹) و روسی (سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳) ترجمه شد. (گروه مؤلفین ۱۲۰-۱۱۹)

قازار پاربتسی، یغیشه، یزینیک کوقباتسی و موسس خورناتسی از دیگر تاریخ‌نویسان ارمنی در سده پنجم بودند که کتاب‌هایشان به زبان‌های مختلف ترجمه شد. از میان آنها کتاب تاریخ ارمنستان خورناتسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و منبع مهمی درباره تاریخ ایران به شمار می‌رود. این کتاب به ده‌ها زبان از جمله لاتین، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، روسی و همچنین فارسی ترجمه شده است. (همان ۱۲۲)

از آثار سده دهم میلادی، می‌توان به اثر معروف گریگور نارگاتسی به نام ماتیان وقبرگوتیون (مرثیه نارک) اشاره کرد که نه فقط فریاد شاعرانه هنرمند، بلکه فریاد جامعه و مردمان عصر او بر ضد نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هاست.

ادبیات ارمنی در فاصله سده‌های ۱۲ تا ۱۷ دوران میانه خود را طی کرد که از بزرگان این دوره می‌توان به نارگاتسی، گریگور ماگیستروس، مخیتار گش، وارطان آیگکتسی و بسیاری دیگر اشاره کرد که واپسینانشان ناهابت کوچاک و صایاد نوا بودند. همچنین امیر دولت آماسیاتسی، مخیتار هراتسی و چند تن دیگر نیز که در ادبیات پزشکی آثاری به جای گذاشتند، زبان ادبی‌شان سرشار از برگرفته‌های ادبیات ایران بود که این برگرفته‌ها در ادبیات بسی آشکارتر است.

در آغاز سده بیستم و در دهه‌های بعد از آن، با ترجمه آثار ادبی ارمنی به زبان‌های دیگر، ارتباطات ادبی و فرهنگی با دیگر ملت‌ها نیز گسترش یافت و شعر و ادب ارمنی به دیگر کشورها معرفی شد و در اینجا بود که ادبیات ارمنی توانست جایگاه شایسته خود را در پهنه

ادبیات جهانی باز یابد.

ادبیات فارسی و آغاز ترجمه در ایران

فعالیت ترجمه در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد. این پویا در تکامل بخشی به تمدن ایرانی نقش مهمی ایفا کرده است. از ترجمه‌های پیش از اسلام اطلاعات زیادی در دست نیست، ولی از کتاب‌های ترجمه شده، بعد از تأسیس سلسله ساسانی و ظهور فارسی میانه، می‌توان به ترجمه بخش‌هایی از کتاب اوستا به فارسی اشاره کرد. در این دوران ترجمه از زبان‌های یونانی و لاتین نیز گسترش یافت که از دلایل اصلی آن، رواج فلسفه و علوم یونان در ایران قبل از ظهور اسلام و همچنین تشویق ساسانیان به ترجمه از زبان‌های یونانی و لاتین بود. در این دوران، کتاب‌هایی از زبان هندی نیز به فارسی ترجمه شد که می‌توان به کتاب پنجه تتره^۱ اشاره کرد (کریمی حکاک ۵۴-۵۲).

بعد از ظهور اسلام و تبدیل ایران به حلقه ارتباطی بین فرهنگ‌های قبل و بعد از اسلام، کتاب‌های زیادی از زبان فارسی به عربی ترجمه شد، ولی از این دوران تا سال‌های پایانی سده نوزدهم، کار ترجمه رو به وخامت گذاشت. با به روی کار آمدن دولت قاجار، با اعزام دانشجویان به اروپا و برقراری ارتباط با اروپاییان، فعالیت‌های ترجمه بار دیگر رونق پیدا کرد. به دنبال تأسیس دارالفنون و تدریس موضوعات مختلف، معلمان اروپایی استخدام شدند و ایرانیان به عنوان دستیار و مترجم با آنها همکاری می‌کردند. همچنین بسیاری از کتاب‌های تدوین شده، به دست این معلمان برای تدریس به فارسی ترجمه می‌شد که نقش بسزایی در گسترش امر ترجمه داشت.

از اولین مترجمان این دوره که از دانش‌آموختگان دارالفنون بود، محمد حسن خان معروف به اعتمادالسلطنه بود. میرزا رضا مهندس از دیگر مترجمان این دوره داستان‌هایی تاریخی از ولتر درباره اسکندر کبیر، پطر کبیر و شارل دوازدهم را به دستور عباس میرزا از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرد (همان ۶۱).

۱ - پنجه تتره: بن مایه برگرفته‌های برزویه طبیب از این کتاب است که به کلبه و دمنه شهره شده است. چند سده بعد، ابن مقفع آن را از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه کرده است. سرانجام، یک مستوفی دانا به زبان دری، نصراله منشی آن را به پارسی بازگرداند و بر آن افزود. پنجه تتره بار دیگر، چند دهه پیش، توسط ایندوشیکهر به پارسی بازگردانده شده و در دانشگاه تهران به چاپ رسید.

ترجمه متون ارمنی به فارسی، از آغاز تا انقلاب اسلامی ایران

با وجود همسایگی ایران و ارمنستان و روابط دیرینه این دو کشور، متأسفانه زبان ارمنی تا دهه شصت سده بیستم برای فارسی‌زبانان زیاد شناخته شده نبود، در نتیجه فعالیت‌های چندانی نیز در زمینه ترجمه از زبان ارمنی به فارسی صورت نگرفته که از دلایل آن می‌توان به نبودن مراکز رسمی ارمنی‌شناسی در ایران و نا‌آشنایی مترجمان ایرانی به ابعاد و گستردگی زبان و ادبیات ارمنی اشاره کرد.

در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ در ایران، گروهی از شاعران و نویسندگان ارمنی گرد هم آمده و انجمن ادبی «نور اج» (برگ نو) را تشکیل دادند که تا سال ۱۳۵۴/۱۹۷۵ در صفحات نشریه آنان آثاری به زبان ارمنی به چاپ می‌رسید. از شاعران این گروه می‌توان به مارکار آقابگیان (دو) و ملکوم قریبیا (هراند فالیان) اشاره کرد که از پی افکنان این انجمن بودند. همچنین از دیگر شاعران این گروه، عبارتند از آرا درهوانسیان، آرشاویر مگردیچیان، آشوت اصلانیان (اصلان)، زورایر میرزاییان، گالوست خانیان (خاننتس)، گقام مگردیچیان، و دیگران که به فعالیت‌های ادبی می‌پرداختند (امیرخان ۲۳۵ و ۲۳۶).

در سال ۱۳۴۰/۱۹۶۱ انجمن نویسندگان ایرانی ارمنی در تهران، با هدف گردهمایی گروه بزرگ‌تری از نویسندگان، همراه با اعضای گروه «نور اج» تشکیل شد تا فعالیت‌های بیشتری در عرصه ادبی داشته باشند.

تأسیس مجله هور در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۱ (۱۳۵۳-۱۳۵۰) به دو زبان ارمنی و فارسی به سردبیری گایگیک هواکمیان به عرصه‌ای برای ترجمه و چاپ آثار ادبی ارمنی به فارسی تبدیل شد. از جمله مترجمانی که در این دوره کتاب‌هایی را ترجمه کردند، می‌توان به آلبرت برناردی، هاریپیک تمرازیان، یرواند پاپازیان، هراند قوکاسیان، آلکساندر پاتماگریان، گیو آقاسی و آلک خاچاطوریان اشاره کرد.

آلبرت برناردی کتاب هفده داستان از گریگور سهراب را در سال ۱۹۶۳/ ۱۳۴۲ ترجمه کرد. از کتاب‌های ترجمه شده هاریپیک تمرازیان می‌توان به زندگی بر شاهراه‌های قدیم رم نوشته واهان توتوونتس اشاره کرد که در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ به چاپ رسید. یرواند پاپازیان کتاب چشمه هغنار از مگردیچ آرمن را از ارمنی به فارسی برگرداند.

هراند قوکاسیان که دو کتاب شعر به نام‌های آنوش (اشعار مربوط به شاعرانی که در نسل‌کشی ارمنه در سال ۱۳۰۴/۱۹۱۵ به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و غربی) و کرونگ (اشعار مربوط به شاعران خارج از ارمنستان) را به ترتیب در سال‌های

۱۳۴۸/۱۹۶۹ و ۱۳۴۹/۱۹۷۰ به چاپ رساند. وی همچنین کتاب گل‌های آفتاب‌گردان ترجمه کارهای مشهور آرام مورادیان را در سال ۱۳۵۵/۱۹۷۶ منتشر کرد.

حماسه ملی دلاوران ساسون از گرانبهاترین میراث پیشینیان ارمنه است که مایه سرافرازی و مباحث آن‌هاست. این منظومه در سال ۱۳۴۷/۱۹۶۸ به دست گیو آقاسی و دکتر پادماگریان به نثر فارسی برگردانده شد. از دیگر ترجمه‌های گیو آقاسی به همراه دکتر پادماگریان، می‌توان به تاریخ جامع ارمنه (شامل دوران اورارتو- تاریخ باستانی- هنر معماری ارمنه و ادبیات ارمنه)، و کتاب گرابار و آشخارابار اشاره کرد.

آلک خاچاطوریان در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ ترجمه کتاب حماسه اندوه که مجموعه‌ای از اشعار هوهانس شیراز است را چاپ کرد. بعد از آن در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ کتاب مادرانه و در ۱۳۵۲/۱۹۷۳ بخش‌هایی از آوای خاموش نشدنی ناقوس از اشعار بارویر سواک را به فارسی برگرداند که همین کتاب بعدها به صورت کامل توسط گئورگ نوباریان ترجمه شد.

تاریخ ارمنه و ارمنستان از موضوعاتی است که همیشه مورد توجه نویسندگان بوده و کتاب‌های متعددی درباره آن‌ها نوشته شده است که بسیاری از آن‌ها نیز به فارسی و دیگر زبان‌ها برگردانده شده‌اند. کتاب تاریخ ارمنستان نوشته آگاتانگقوس اولین کتاب ارمنی درباره تاریخ ارمنستان است که به زبان‌های دیگر ترجمه شد. در سال‌های بعد از انقلاب نیز چندین کتاب تاریخی از نویسندگان مختلف ارمنی، به فارسی برگردانده شده است.

همچنین مترجمان دیگری نیز قبل از انقلاب اسلامی متونی را ترجمه کرده‌اند که از جمله می‌توان به آغاسی هوهانسیان مترجم داستان هاماسدق نوشته چالو از ارمنی به فارسی و سگ ولگرد نوشته صادق هدایت از فارسی به ارمنی که در سال ۱۳۴۶ در یک کتاب به چاپ رسید، آبراهام هواساپیان مترجم کتاب تاریخ ارمنستان نوشته موسس خورناتسی، هریر خالاتیان مترجم کتاب‌های اعیاد کلیسای ارمنی، حماسه پیرم و کتاب مسائل ادبی نوشته وارطان گئورگیان، هویک اله وردیان مترجم کتاب خدایان کهن نوشته لئون شانت، آراماییس آرزومانیان مترجم کتاب‌های داستان‌های ادبی رفیق من نینو و داستان‌های ادبی ارمنی از آثار هوهانس تومانیان و مجموعه داستان‌های جده و نوه اثر استپان زوریان، همچنین آلک قازاریان مترجم کتاب افسانه‌های کهن ارمنی اثر هوهانس تومانیان (شامل داستان‌های مرد نادان- دروغگو- روباه دم پریده و ...) اشاره کرد. نسل‌کشی و قتل‌عام ارمنه در سال ۱۳۰۴/۱۹۱۵ میلادی نیز از دیگر موضوعات مهم در مورد خلق ارمنی است که کتاب‌های بسیاری به زبان‌های مختلف درباره آن نوشته شده و به زبان‌های مختلف نیز برگردانده شده است. کتاب‌های سر فرود

نیاوردند نوشته استپان آلاجاجیان از نمونه کتاب‌های مربوط به این واقعه ناگوار است که توسط داوید خاچاطوریان به فارسی ترجمه شد.

ترجمه متون فارسی به ارمنی، از آغاز تا انقلاب اسلامی ایران

اولین ترجمه یک اثر فارسی به زبان ارمنی، پس از اسلام، ترجمه نوشته‌ای از محمد زکریای رازی بوده است (هویان، ۵۸، ۲۰۰۴). در سده سیزدهم میلادی، اندرزنامه انوشیروان به ارمنی ترجمه شد و در همان زمان فریک، شاعر ارمنی سده سیزدهم، تعدادی از دو بیت‌های فارسی را به ارمنی ترجمه کرد (همان ۶۱).

شاهنامه فردوسی از جمله آثار فارسی است که تأثیر زیادی بر شاعران ارمنی داشته و بارها توسط مترجمان مختلف به ارمنی برگردانده شده است. به دنبال آشنایی شاعران ارمنی با شاهنامه، سرودن شعر با قافیه با استفاده از بحور و اوزان عروضی به صورت امری متداول در آمد و اشعار مختلفی تحت تأثیر آن سروده شد.

گنورگ در هوهانسیان (گنورگ دبیر بالادتسی ۱۸۱۲-۱۷۳۷ / ۱۱۹۱-۱۱۱۶) که از بانیان شرق‌شناسی و به ویژه ایران‌شناسی بوده، ترجمه‌هایی نیز انجام داده که از جمله می‌توان به ترجمه کتاب آکانتس گیرک (کتاب جواهرات) نوشته فرزند حسین طوسی اشاره کرد که در مورد سنگ‌های قیمتی، سکه‌ها، و دیگر اشیاء با ارزش است. دیگر ترجمه وی کتاب بانالی آستقیاتس (کلید اختران) اثری از عبدالرحمن تبریزی، از ستاره‌شناسان سده پانزدهم است. در هوهانسیان همچنین فرهنگ لغت فارسی-ارمنی را که در واقع اولین لغت‌نامه فارسی به ارمنی است، تهیه کرده که در آن برای هر واژه، چندین معنا گفته شده و همچنین خواننده با معانی بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و حکایات ایرانی آشنا می‌شود. همچنین بسیاری از اشعار شاعران ایرانی که با حروف الفبای ارمنی نوشته شده‌اند، همراه معنی آنها در این لغت‌نامه آورده شده که بیشتر آنها برای اولین بار در این کتاب به ارمنی برگردانده شده‌اند (گروه مؤلفین ۱۴۰-۱۴۱).

ادبیات ارمنی جدید از نیمه دوم سده نوزدهم پا گرفت و هاروتیون علمداریان، مسروپ تاقیادیان و خاچاطور آبوویان از پیشروان این جنبش به شمار می‌روند. هاروتیون علمداریان گذشته از شاعری، آموزگاری برجسته و از فعالان اجتماعی-سیاسی بود. وی از پیشگامان آموزگاری در نخستین مؤسسات آموزشی در دوران روشنگری تاریخ ملت ارمنی یعنی مدرسه «نرسیان» در تفلیس و آموزشگاه «لازاریان» در مسکو به شمار می‌رود. وی همچنین از مؤلفان کتاب‌های درسی اولیه، از جمله کتاب دستور زبان ارمنی - روسی و فرهنگ روسی-ارمنی

برای این آموزشگاه‌ها بود (نوری‌زاده، ۱۳۷۶، ۶۱).

مسروپ تاقیادیان (۱۸۵۸-۱۸۰۳ / ۱۲۳۷-۱۱۸۲) از ایران‌شناسان سده نوزدهم است که افزون بر خلق آثار با ارزش در زمینه تاریخ ایران، ترجمه‌هایی نیز داشته که می‌توان به کتاب *زوار جاحوس آراگک پارسیز* (امثال و حکم دل‌انگیز فارسی) اشاره کرد (گروه مؤلفین ۱۴۲). آبوویان به عنوان بنیانگذار ادبیات نوین ارمنی، نویسنده اولین رمان ادبی این دوران به زبان ارمنی معاصر (آشخارابار) است. پس از وی ادبیات جدید با ابعادی گسترده‌تر رشد یافت. با تبدیل زبان گرابار به آشخارابار دگرگونی عظیمی در ادبیات ارمنی رخ داد و در نتیجه زبان به دو شاخه شرقی در تفلیس و شاخه غربی در استانبول تقسیم شد. در ایران نیز شاخه شرقی این زبان به عنوان زبان ادبی رایج است.

از سده نوزدهم، کم‌کم توجه بزرگان ادب، افزون بر ایران‌شناسی به ادبیات ایران نیز جلب شد و آثار بسیاری از فردوسی، خیام، سعدی، حافظ، جامی، رومی و دیگران ترجمه شدند. ترجمه کامل گلستان سعدی به زبان ارمنی به استپانوس نازاریان تعلق دارد که از مترجمان این دوره است (همان ۱۵۵-۱۵۴).

هوهانس خان ماسحیان ملقب به مساعدالسلطنه و همچنین هوسپ میرزاییان از جمله مترجمان ارمنی زبان بودند که در سده نوزدهم فعالیت‌های زیادی در زمینه ترجمه در ایران انجام دادند. خان ماسحیان که در دوران قاجار از رجال سیاسی دربار بود، افزون بر ارمنی و فارسی به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و عربی نیز تسلط داشت. وی متون زیادی از جمله آثار آلکساندر دوما، پیرلوت، چارلز دیکنز و چند نویسنده خارجی دیگر را به دستور ناصرالدین شاه ترجمه کرد (هویان، ۲۰۰۱، ۳۸۳). از مهمترین کارهایی که به دست خان ماسحیان ترجمه شد، آثاری از شکسپیر از جمله *هملت*، *رمئو و ژولیت* و *اتللو* بود (گروه مؤلفین ۲۵۱). همچنین به همت و تلاش وی در سال ۱۲۷۳/۱۸۹۴ در تهران اولین هفته نامه ایرانی-ارمنی به نام «شاویق» به چاپ رسید (پهلوانیان ۲۱۴).

از دهه نود سده نوزدهم، هوسپ میرزاییان آثاری از ولتر و مولیر را به ارمنی ترجمه کرد. از سال ۱۲۹۲/۱۹۱۳ وی کار ترجمه متون فارسی به ارمنی را آغاز کرد و متونی از نویسندگان و شاعران بزرگ ایرانی از جمله سعدی، حافظ، باباطاهر، خیام و بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی را به ارمنی برگرداند. سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۰/۱۳۰۹-۱۲۹۹ سال‌های پررونق ادبی در ارمنستان بود و شاعران بزرگی همچون یغیشه چارنتس، گورگن ماهاری، گغام ساریان و دیگران به خلق آثار بزرگ پرداختند (آبراهامیان ۴۶۸).

با استقرار حکومت شوروی در ارمنستان و به واسطه همسایگی ارمنستان با ایران، مراکز تحقیقاتی و ایران‌شناسی تأسیس شد و کرسی‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های ارمنستان باعث رونق نسبی ترجمه آثار ادبی فارسی به ارمنی شد. در این دوره آثار شاخص فارسی همچون بخش‌هایی از شاهنامه و نیز اشعار شاعرانی مثل حافظ، مولوی، خاقانی و خیام به ارمنی ترجمه شد.

در سال‌های بین ۱۲۹۰/۱۹۲۰ تا ۱۳۶۹/۱۹۹۰ در ارمنستان و ایران به صورت مجزا، فعالیت‌های زیادی از نظر ترجمه صورت گرفت، ولی متأسفانه به علت فقدان پل ارتباطی فرهنگی بین دو کشور، این فعالیت‌ها تأثیر زیادی در شناساندن دو فرهنگ به یکدیگر نداشت. خیام از شاعران نمونه ایرانی است که همیشه از محبوبیت خاصی میان مردم ارمنی برخوردار بوده است و همانگونه که در کتاب *در جستجوی رباعیات اصیل خیام* نوشته آشوت میناسیان می‌خوانیم: «آثار هیچ کدام از شعرا و مشاهیر ادب ایران به اندازه رباعیات خیام در ادبیات ارمنی انعکاس نداشته است. عمر خیام میان ارامنه تمام جهان محبوبیت خاص دارد و مصداق آن ترجمه‌های متعددی است که از اشعار او به عمل آمده است» (میناسیان، مقدمه).

هوسپ میرزاییان که از مترجمان چیره خیام به شمار می‌رود، در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ کتاب *رباعیات خیام* را به چاپ رساند. آرشاک آتایان، زورایر میرزاییان، سرگی اوماریان و همچنین آشوت میناسیان از مترجمانی بودند که به ترجمه برخی رباعیات خیام پرداختند. آشوت میناسیان در کتاب *در جستجوی رباعیات اصیل خیام*، افزون بر ارائه شرح حال و توضیح درباره رباعیات خیام، ۲۰۴ قطعه از رباعیات وی به زبان ارمنی ترجمه شده است (همان، مقدمه).

از دیگر شاعران ایرانی که مورد توجه مترجمان ارمنی واقع شده، باباطاهر عریان همدانی است که اشعار وی چندین بار توسط ارامنه ترجمه شده است. در سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ روبین آبراهامیان در تهران اشعاری از وی را در کتاب *رباعیات و غزلیات بابا طاهر* به چاپ رساند. در سال ۱۳۲۴/۱۹۴۵ سیمون بابومیان، دیوان باباطاهر عریان همدانی را تدوین کرد و در سال ۱۳۳۳/۱۹۵۴ در تهران زورایر میرزاییان ترانه‌هایی از بابا طاهر را به ارمنی برگرداند. در سال ۱۳۵۰/۱۹۷۱ سرگی اوماریان، مجموعه‌ای از اشعار شاعران ایرانی از جمله فردوسی، خیام، خاقانی، سعدی و دیگران را به ارمنی برگرداند.

روابط فرهنگی ایران و ارمنستان پس از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال ارمنستان، فرصتی پدید آورد تا دو کشور هم پیشینه تاریخی و فرهنگی کهن، روابط خود را مستحکم‌تر کنند که این روابط تا به حال سیری صعودی داشته است.

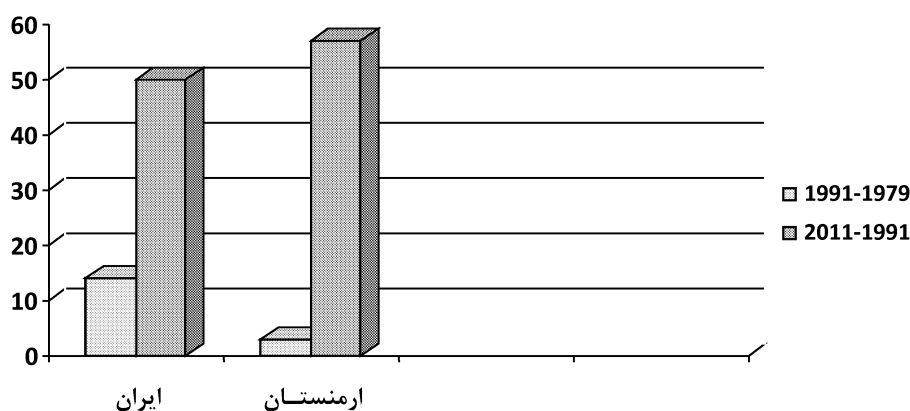
با انقلاب اسلامی ایران، روابط ایران و ارمنستان شکل جدیدی به خود گرفت. اقدامات جدیدی برای بهبود روابط و آشنا ساختن مردم با یکدیگر به عمل آمد که یکی از آن‌ها ترجمه بود. با این که قبل از انقلاب نیز ترجمه‌های بسیاری در ایران انجام می‌گرفت اما در این دوره، کتاب‌ها و موضوعات جدیدتری انتخاب شدند. استقلال ارمنستان آغازگر مرحله جدیدی از روابط بین دو کشور ایران و ارمنستان بود. به خاطر تغییرات سیاسی در کشور ارمنستان، روابط خارجی با کشورهای همسایه به ویژه ایران نیز گسترش یافت و فعالیت‌های زیادی برای بهبود ارتباطات انجام گرفت. ترجمه نیز به نوبه خود به عنوان یکی از فعالیت‌های فرهنگی بین دو کشور، روند جدیدی یافت.

امضای موافقت‌نامه‌های فرهنگی، فعالیت‌های کانون‌های علمی و فرهنگی و تأسیس مراکز جدید، آموزش زبان فارسی در ۱۵ مدرسه، ۷ گروه دانشگاهی، بازگشایی کلاس‌های آزاد زبان فارسی در مسجد کبود ایروان و آغاز فعالیت رشته زبان و ادبیات ارمنی در دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه دولتی اصفهان در ایران، شرکت هیئت‌های علمی و فرهنگی در همایش‌ها و سمینارهای دو کشور، ترجمه متون مختلف و همچنین آغاز دیدارهای دوسالانه «پل فرهنگی- ادبی ایران و ارمنستان» از فعالیت‌هایی بوده که در راستای افزایش ارتباطات فرهنگی و آشنا کردن مردم دو کشور با یکدیگر صورت گرفته است.

دیدارهای دو سالانه فرهنگی - ادبی ایران و ارمنستان که از سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ آغاز شده، نقش مهمی در گسترش روابط فرهنگی دو کشور ایفا کرده است. اولین پل فرهنگی- ادبی ایران و ارمنستان در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ در ایروان با حضور هیئت هفت نفری از ایران به سرپرستی دکتر مهدی سنایی معاون وقت پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد که مرکز آتوکس ارمنستان (مرکز فرهنگی انجمن‌های دوستی ارمنستان با کشورهای خارجی) و کانون نویسندگان این کشور برگزاری آن را بر عهده داشتند. دومین پل فرهنگی در ۲۹ آبان ۱۳۸۵/۲۰۰۶ در اصفهان برگزار شد که سرپرستی گروه به عهده لئون آنانیان، رئیس کانون نویسندگان ارمنستان بود. سومین پل فرهنگی در اسفند ماه ۱۳۸۷/۲۰۰۸ در ارمنستان با حضور جمعی از نویسندگان ایرانی و با مساعدت و همراهی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران در ارمنستان برگزار شد.

در سال‌های گذشته با افزایش مراودات و تبادلات فرهنگی بین دو کشور، ترجمه آثار میان این دو کشور بسیار چشمگیرتر شده است. در ارمنستان آغاز فعالیت رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان تحولی عظیم در عرصه کار ترجمه در ارمنستان به وجود آورد. رایزنی فرهنگی، با هدف تعمیق، توسعه و ارتقای سطح روابط فرهنگی و تبلیغات دینی و فرهنگی میان دو کشور ایران و ارمنستان، فعالیت رسمی خود را از تاریخ شهریور ۱۳۷۸/۱۹۹۹ آغاز کرد و کتاب‌های بسیاری به ویژه در زمینه‌های دینی و فرهنگی ترجمه کرده و نقش مهمی در راستای معرفی دین اسلام و فرهنگی ایرانی داشته است.



نمودار شماره ۱: تعداد کتاب‌های ترجمه شده در ایران و ارمنستان

همانطور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، در ایران بعد از انقلاب، در مجموع ۶۴ کتاب ترجمه شده است. ۱۴ کتاب از انقلاب ایران تا استقلال ارمنستان و ۵۰ کتاب بعد از استقلال تا ۱۳۹۰/۲۰۱۱ میلادی. در ارمنستان در مجموع ۶۰ کتاب ترجمه شده است. ۳ کتاب قبل از استقلال ارمنستان و ۵۷ کتاب بعد از استقلال. آمار این نمودار نشان دهنده این است که استقلال ارمنستان در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ تأثیر زیادی در روند ترجمه در دو کشور داشته است و تعداد کتاب‌های ترجمه شده به بیش از دو برابر رسیده است.

از مترجمان معاصر ایران که در سال‌های گذشته توانسته‌اند متون بسیاری را ترجمه و به صورت کتاب به چاپ برسانند می‌توان به افرادی که در جدول شماره ۱ آمده‌اند اشاره کرد.

جدول شماره ۱: مترجمان ایران و تعداد کتاب‌های ترجمه شده

تعداد کتاب‌های ترجمه شده			مترجمان ایران
جمع	فارسی به ارمنی	ارمنی به فارسی	
۱	۱	---	آرا آوانسیان
۲	---	۲	آرمان هاروطونیان
۴	۲	۲	آزاد ماتیان
۲	۱	۱	آشوت میناسیان
۱۴	۱	۱۳	آندرانیکی خچومیان
۲	۱	۱	دکتر آندرانیکی سیمونیان
۶	---	۶	احمد نوری زاده
۷	---	۷	ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک)
۱۰	---	۱۰	گارون سرکسیان
۵	۵		خاچیک خاچر
۱	---	۱	محمد قاضی
۲	۲	---	نروان
۲	۱	۱	واراند (سوکیاس کچاریان)
۶	۲	۴	واهه آرمن
۶۴	۱۶	۴۸	جمع کل

در ایران البته مترجمان دیگری نیز بوده‌اند که در زمینه ترجمه مقالات فعالیت داشته و متون مختلفی را در روزنامه‌ها و یا مجلات مختلف به چاپ رسانده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به آرمان هاروطونیان، ادوارد هاروطونیان، ادوارد ولادیکا، کولیا درهوهانسیان، نازار شاهوردیان، هویک میناسیان، واراند داوتیان، واراند ملکومیان و بسیاری از دیگران اشاره کرد. تیگران بوقوسیان نیز از مترجمان این دوره است که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به کار ترجمه مشغول است.

همانطور که در جدول شماره ۱ آمده است، در ایران از مجموع ۶۴ کتاب ترجمه شده، ۴۸ کتاب از ارمنی به فارسی و ۱۶ کتاب از فارسی به ارمنی ترجمه شده است که نشان دهنده تمایل مترجمان به معرفی متون مربوط به فرهنگ، تاریخ و ملت ارمنی به خواننده فارسی‌زبان است.

از مترجمان فعال زبان ارمنی و فارسی در ارمنستان نیز که به صورت مستقل و یا با همکاری رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. تاکنون متون زیادی را ترجمه کرده‌اند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد.

جدول شماره ۲: مترجمان ارمنستان و تعداد کتابهای ترجمه شده

تعداد کتاب‌های ترجمه شده			مترجمان ارمنستان
جمع	فارسی به ارمنی	ارمنی به فارسی	
۴	۴	---	پروفسور آرماتوش کزمویان
۱۲	۳	۹	آشخن ماکاریان
۱۶	۱۶	---	ادوارد حق وردیان
۱	۱	---	امیک آلكسانیان
۳	۳	---	اما بگی جانیان
۵	۵	---	گنورگ آساطوریان
۲	۲	---	گنورگ خاچاطور
۲	---	۲	گنورگی نلبندیان
۱	۱	---	هرایر موسسیان
۳	۱	۲	جانی غریبیان
۸	۵	۳	ژرژیک آبراهامیان (ابراهیمی)
۲	۲	---	سیلوا اله وردیان
۱	۱	---	ورژ پارسادانیان
۶۰	۴۴	۱۶	جمع کل

در ارمنستان نیز از مجموع ۶۰ کتاب ترجمه شده، ۱۶ کتاب از ارمنی به فارسی و ۴۴ کتاب از فارسی به ارمنی ترجمه شده است و این بدان معنی است که در ارمنستان، برخلاف ایران، مترجمان، انتشارات و مراکزی همچون رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان بیشتر تمایل به معرفی ایران و فرهنگ و تاریخ ملت ایرانی به خواننده ارمنی زبان داشته اند. ترجمه شعر و ادبیات داستانی همواره مورد توجه مردم و مترجمان دو کشور بوده است. بعد از انقلاب، افزون بر شعرهای کلاسیک، انواع اشعار نو برای ترجمه انتخاب شد و در زمینه نثر نیز داستان‌های کوتاه بسیاری از فارسی به ارمنی و ارمنی به فارسی در دو کشور ترجمه شده است.

ترجمه فیلمنامه از بعد از انقلاب، روند افزایشی پیدا کرده است. بنیاد فارابی نمایش فیلم‌های ایرانی در ارمنستان را در سال ۱۳۷۳/۱۹۹۴ ساماندهی کرد که در این جشنواره نمایشی، ۱۵ فیلم ایرانی که منتخبی از بهترین فیلم‌های ایران بودند در سینماهای ایروان اکران شد که تعداد ۶ فیلم به نام‌های *سازا*، *بازی بزرگان*، *رد پای گرگ*، *هنرپیشه*، *پرده آخر* و *عروس* توسط دکتر آندرانیک سیمونیان ترجمه شده بودند. این جشنواره بیشتر جنبه معرفی سینمای ایران به سینماورهای ارمنستان را داشت و استقبال تماشاگران ارمنی از آنها نشانگر موفق بودن جشنواره و رسیدن به اهدافش بوده است. در عرصه تئاتر، داد و ستدهای فرهنگی دو طرف خیلی بیشتر از سینما بوده است. گروه‌های تئاتری ارمنستان هر ساله در نمایش‌های جشنواره تئاتر دهه فجر شرکت کرده‌اند و آثار مختلفی را به نمایش گذاشته‌اند. آندرانیک خچومیان در مراودات تئاتر ایران و ارمنستان در دو دهه اخیر نقش مهمی داشته و در آثاری که وی از فارسی به ارمنی و یا از ارمنی به فارسی ترجمه کرده است، تلاش مستمری در جهت تعمیق درک دو طرف از یکدیگر داشته است.

با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان گفت در ایران قبل از استقلال ارمنستان بیشتر به ادبیات داستانی توجه شده که در جمع تعداد ۷ داستان ترجمه شده است، اما در سال‌های بعد از استقلال تا ۲۰۱۱ توجه مترجمان بیشتر به سمت شعر، ادبیات نمایشی و همچنین متون غیر داستانی به ویژه متون تاریخی کشیده شده است.

جدول شماره ۳: تعداد گونه‌های ادبی ترجمه شده در ایران، به تفکیک دوره

نثر						ادبیات نمایشی	نظم	گونه ادبی دوره
ادبیات غیر داستانی				ادبیات داستانی				
دینی	تاریخی	زندگی‌نامه	فرهنگی / اطلاعاتی	رمان	کوتاه			
۰	۲	۱	۲	۱	۶	۰	۲	۱۹۷۹-۱۹۹۱ ۱۳۵۸-۱۳۷۰
۲	۸	۱	۲	۱	۶	۱۳	۱۷	۱۹۹۱-۲۰۱۱ ۱۳۷۰-۱۳۹۰

بر اساس جدول شماره ۴ می‌توان گفت در ارمنستان قبل از استقلال توجه زیادی به ترجمه متون فارسی-ارمنی نشده و در کل تعداد ۳ کتاب ترجمه شده است، اما بعد از استقلال ارمنستان، ترجمه در بیشترگونه‌های ادبی به ویژه شعر، داستان و ادبیات غیر داستانی رشد چشمگیری داشته که در گونه ادبی غیر داستانی آن را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. از میان ادبیات غیر داستانی، متون دینی از همه بیشتر مورد توجه بوده است که نشان از خواست مسئولان برای معرفی ادیان دو کشور به یکدیگر دارد.

جدول شماره ۴: تعداد گونه‌های ادبی ترجمه شده در ارمنستان، به تفکیک دوره

نثر						ادبیات نمایشی	نظم	گونه ادبی دوره
ادبیات غیر داستانی				ادبیات داستانی				
دینی	تاریخی	زندگی‌نامه	فرهنگی / اطلاعاتی	رمان	کوتاه			
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۹۷۹-۱۹۹۱ ۱۳۵۸-۱۳۷۰
۱۴	۰	۵	۸	۰	۱۴	۱	۱۵	۱۹۹۱-۲۰۱۱ ۱۳۷۰-۱۳۹۰

نکته دیگری که درباره ترجمه‌های بعد از انقلاب باید به آن نگرست چگونگی انتخاب یک متن برای ترجمه است. مترجمان فعال در ایران بیشتر کتاب‌ها را خود انتخاب کرده‌اند. برای آنها ترجمه به عنوان شغل اصلی نیست و این موضوع می‌تواند دلیل اصلی انتخاب متن بر اساس علاقه شخصیشان باشد. از میان تعداد کتاب‌های ترجمه شده در ایران ۵۵ کتاب به انتخاب مترجم ترجمه شده و ۹ کتاب سفارشی بوده است.

مترجمان فعال در ارمنستان بر خلاف مترجمان ایرانی، بیشتر به عنوان یکی از اعضای رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان مشغول هستند و کتاب‌های مورد درخواست این مرکز را به فارسی و ارمنی ترجمه می‌کنند. این سازمان با هدف آشناسازی و معرفی فرهنگ دو کشور ایران و ارمنستان به یکدیگر، بیشتر متونی را انتخاب می‌کند که گویای فرهنگ، تاریخ و دین دو ملت است و آن را برای ترجمه به یکی از مترجمان معرفی می‌کند. از میان کتاب‌های ترجمه شده در ارمنستان، تعداد ۴۲ کتاب سفارشی بوده و ۱۸ کتاب به انتخاب مترجم بوده است. اکثر ترجمه‌های سفارشی از طرف رایزنی با موضوعات دینی و فرهنگی بوده که نشانگر هدف این مرکز برای معرفی دین و فرهنگ دو کشور به ویژه دین اسلام و فرهنگی ایرانی بوده است.

نتیجه

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های ترجمه با روابط فرهنگی ایران و ارمنستان رابطه مستقیم داشته‌اند. با افزایش مراودات دو کشور، فعالیت‌های ترجمه نیز بیشتر شده و باعث آشنایی بیشتر مردم با یکدیگر گردید که آشنایی متقابل مردم، خود زمینه‌ساز افزایش روابط فرهنگی شد. مردم دو کشور که به فرهنگ، دین، تاریخ و ادبیات یکدیگر علاقه‌مند بودند با افزایش مناسبت‌ها و روابط بعد از انقلاب اسلامی ایران و سپس استقلال ارمنستان در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱، علاقه بیشتری نسبت به یکدیگر پیدا کردند. مترجمان نیز کتاب‌های بیشتری در زمینه‌های مختلف ترجمه کردند که در این راستا مژده‌ها بودند. فعالیت‌های ترجمه در دوره اول (از انقلاب اسلامی ایران تا استقلال ارمنستان) در ایران چشمگیرتر بود. موضوعات جدیدتری افزون بر شعر به موضوعات انتخابی از طرف مترجمان افزوده شد و به متون متفاوت‌تری که می‌توانست گویای فرهنگ، تاریخ و ادبیات دو کشور باشند توجه پیدا کردند. آغاز فعالیت رشته زبان و ادبیات ارمنی در دانشگاه آزاد تهران و وجود کرسی مشابه در دانشگاه دولتی اصفهان، همچنین مراکز چاپ و نشر ارمنی از جمله انتشارات نائیری، آلیک،

مجله پیمان و همچنین مراکز چاپ و نشر غیر ارمنی و گاهی مراکز مختلف علمی دولتی، باعث پیشرفت در زمینه ترجمه و آشنایی با زبان ارمنی در ایران گردید. از دوره دوم یعنی از زمان استقلال ارمنستان به دلیل تغییر شرایط سیاسی کشور در ارمنستان، ارتباطات بین دو کشور شکل جدیدتری به خود گرفت و در این راستا ترجمه نیز به ویژه در ارمنستان روند افزایشی پیدا کرد. از آنجایی که مردم دو کشور تا آن زمان با ادبیات یکدیگر آشنایی کافی پیدا کرده بودند، مترجمان به دنبال موضوعات جدیدتری رفتند. در این دوره متون غیر داستانی از قبیل متون دینی (به ویژه در ارمنستان) و فرهنگی رونق بیشتری یافت. در این دوره به ویژه به وسیله رایزنی جمهوری اسلامی ایران در ایروان کتاب‌های متعددی با متن و مضمون اسلامی، مذهبی و فرهنگ اسلامی مردم ایران به ترجمه سپرده و سپس منتشر شدند. مطالعه این ترجمه‌ها باعث آشنایی بیشتر مردم با یکدیگر شده و مسافرت‌ها به کشورهای یکدیگر بیشتر شد، مردم شروع به یادگیری زبان یکدیگر کردند و کلاس‌های مختلفی چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه به صورت کلاس‌های آزاد جهت یادگیری زبان (به ویژه زبان فارسی در مسجد کبود ارمنستان) دایر کردند. دیدارهای بیشتری در دو کشور برای تبادلات فرهنگی برگزار شد که همچنان نیز ادامه دارند. همچنین در حال حاضر مجلات مختلفی هم در ایران و هم در ارمنستان هستند که به زبان‌های ارمنی و فارسی برای ارائه مطالب مختلف به چاپ می‌رسند. در تمامی موارد ذکر شده نقش ترجمه به وضوح قابل ملاحظه است و همگی آن‌ها بستر مناسبی برای روابط فرهنگی بیشتر را فراهم آورده‌اند.

Bibliography

- Abrahamian, A.G., Hakoubian, T.kh., Khodaverdian, K.S., Nersesian, M.G., Sarkisian, G.KH., Yeremian, S.T. (1360/1981). *Tarikh –e Armanestan* (History of Armenia) (E.Germanic, Trans). Tehran.
- Aghaian, Edward. (1976). "Mesrop Mashtots". In Group of writers, *Hay mshakoyti nshanavor gorzichner* (Famous people in Armenian culture) (pp.7-18). Yerevan: Yerevan State University.
- Amirkhan, Sepanos. (1382/2003). *Nayri annual book 2004*. Tehran.
- Group of Writers. (1975). *Merzavor yev Mijin Arevelki Yerkrner yev Joghovourdner* (People and countries of Near and Middle East. Iran section). Yerevan.
- Hovian, Andranik. (1380/2001). *Armanian e Iran* (Armenians of Iran). Tehran: Hermes press.

- . (1383/2004). *Ravabet e farhangi e Iranian va Armanian* (Iranian's and Armenian's cultural relationships). Tehran: Dastan press.
- Karimi Hakkak, Ahmad. (1378/1999). *Tarikhcheye tarjome dar Iran* (Translation history in Iran) (M. Keyvani, Trans). *Motarjem Journal.No. 29*.
- Lotfipour Saedi, Kazem. (1371/1992). *Daramadi bar osool va ravesh-e tarjome* (An introduction to translation rules and methods). Tehran: University press center.
- Minasian, Ashot. (1357/1978). *Dar Jost o Jouye Robayaate Asile Khayyam* (In Search of Khayyam's pure Robayees). Tehran.
- Nourizadeh, Ahmad. (1375/1996). "Jastari koutah dar tarikh-e adabiat-e armani" [A Review of Armenian Literature History]. *Payman cultural journal*. No 1, page 73-93.
- . (1376/1997). *Tarikh va farhange Armanestan* (Armenia culture & history). Tehran: Cheshmeh press.
- Pahlavanian. Hovhannes. (1989). *Iranahay hamaynk (1941-1979)* (Armenian People in Iran (1941- 1979)). Yerevan.